

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۱ اکتوبر ۲۰۲۱

آیا زندگی سیاسی خاینانه "خلیلزاد" پایان یافت؟

(۲)

چهارشنبه- ۲۸ میزان ۱۴۰۰ - کابل:

۳- برای این که بدانیم "خلیلزاد" در افغانستان چه رولی ایفاء نموده و اصولاً عملکرد وی به نفع افغانستان بوده و یا به ضررش، نخست می باید بدانیم که این "خلیلزاد" چه کسی بوده و خود را خادم کجا می دانسته است. برای درک این مسأله سری به توئیتر شخص "خلیلزاد" زده، می بینیم که وی در مورد چه می نویسد:

او نوشته است: «امروز من از ستم به حیث نماینده ویژه برای مصالحه افغانستان، کنار می روم. این یک افتخار بوده است که مجدداً در خدمت مردم امریکا باشم.»

"خلیلزاد" با صداقت کامل و ستودنی و بسیار صریح می گوید که افتخار او، خدمت به "مردم امریکا" است. او اساساً نامی از خدمت به افغانستان و مردم افغانستان نمی برد، زیرا خود را خادم "مردم امریکا" می داند. هموطنان گرامی!

این که "خلیلزاد" از "مردم امریکا" چه برداشتی دارد، برای خودش می تواند معتبر باشد اما تا جایی که ساختار اقتصادی اجتماعی امپریالیسم امریکا در کل نشان می دهد، به همان سانی که خلقهای سراسر جهان به وسیله سرمایه های انحصاری امپریالیسم امریکا استثمار می گردند و هر نوع مقاومت آنها با ارتش خون اشام امریکا پاسخ داده می شود، "مردم امریکا" نیز به وسیله همان سرمایه های انحصاری بشدت استثمار شده هر نوع حرکت آنها با قاطعیت و به وسیله سلاح سرکوب می گردد، چنانچه در همین ده سال اخیر مآشاهد سرکوب خیزش های مردمی زیر نام "۹۹ درصدی ها" علیه "وال ستریت" و "سیاتل" بودیم و از آن گذشته سال گذشته، امپریالیسم امریکا واضح نشان داد که در امریکا مفهوم "مردم" کلیت ندارد و میلیونها تن از باشندگان امریکائی علی رغم خونی که برای حفظ قدرت امریکا می دهند، در جمع "مردم" به شمار نمی روند.

هموطنان گرامی!

وقتی "خلیلزاد" از "مردم امریکا" یاد می کند خوب می داند که کاربرد آن مفهوم، ترفندیست جهت پوشاندن واقعیت کریه امپریالیسم امریکا. به عبارت دیگر "خلیلزاد" نمی تواند بگوید که "افتخار دارد که مجدداً در خدمت امپریالیسم امریکا" قرار داشته است، از همین رو در عوض کلمه "امپریالیسم" مردم را جایگزین ساخته است.

هموطنان گرامی!

این اعتراف "خلیلزاد" به مانند معادله ریاضی $4=2+2$ هیچ جای مناقشه ندارد، "خلیلزاد" وقتی خودش را خادم امپریالیسم معرفی می دارد و بدان افتخار می نماید، صریحاً اعلام می دارد که هیچ نوع پیوندی با افغانستان و مردم افغانستان نداشته و ندارد، رابطه اش با افغانستان از منظر یک عامل امپریالیسم به یک کشور اشغال شده و مقهور استعمار است نه چیزی بیشتر از آن .

و از آنجائی که بر مبنای علم و نتایج حاصله از تاریخ حیات امپریالیسم هویداست، منافع امپریالیسم در تقابل کامل با منافع خلقها در قدم اول و ملتها و کشور ها در کل قرار دارد، لذا به پیروی از همان معادله ریاضی، خدمت به امپریالیسم و تأمین منافع آن ، مساویست با دشمنی با خلقها و ملت های اسیر مناسبات ضد انسانی سرمایه دارانه حاکم در جهان و غارت و چپاول دسترنج و دار و ندار کشور ها و ملت های اسیر و مقهور.

از همین رو گفته می توانیم که نقش "خلیلزاد" به مثابه خادم امپریالیسم امریکا در تمام دوران حیات سیاسی اش، خصلت دوگانه داشته است: خدمت به امپریالیسم و دشمنی با کشور ها و ملت های جهان.

وقتی "خلیلزاد" خود افتخارش را خدمت به امپریالیسم امریکا می داند، جای بسیار حماقت است که ما یعنی باشندگان کشور اشغال شده به وسیله امپریالیسم، از وی توقع خدمت به کشور ما و خود را داشته باشیم. بر همین مبناست که در تمام ۴ دهه اخیر به خصوص ۲۰ سال آخرین که "خلیلزاد" در امور افغانستان دخالتی تعیین کننده داشته است، نقش وی در افغانستان تأمین همان ضرورتی بوده که امپریالیسم از وی می خواسته و متضمن تأمین منافع امپریالیسم بوده است. حال می خواهد کارگردانی کنفرانس بن در ۲۰۰۱ باشد و امضای موافقتنامه دوحه در ۲۰۲۰ و یا تهیه فرصت برای انتقال قدرت به طالب، هیچ تفاوتی در وظایف و تعهدات "خلیلزاد" وجود نداشته است.

یعنی خلیلزاد به مثابه دست دراز امپریالیسم در افغانستان، از همان کنفرانس بن تلاش نمود، نظامی را در پناه قدرت نظامی امپریالیسم امریکا و شرکاء بر سرکار آورد که بستر پرورش طالب و طالبیسم باشد، در سال ۲۰۲۰ هم با عقد موافقتنامه دوحه حاکمیتی را که امپریالیسم امریکا از طالب گرفته بود، واپس به آنها مسترد داشت. مردم افغانستان نه دیروز برایش اهمیت داشتند و نه هم امروز.

و اما این که آیا حیات سیاسی "خلیلزاد" خاتمه یافته یا خیر، سؤالیست که بحث جداگانه لازم دارد.

ادامه دارد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جز لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع ها ر مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!